

پس از پایان اجرای صادقیان، مجدداً محسنی مفیدی سخنان خود را ادامه داد، به معرفی آئین‌های ملی و باستانی مرتبط با نوروز و بررسی مفاهیمی چون هفت‌سین، عمونوروز، ننه سرما، میرنوروزی، چهارشنبه‌سوری، سیزده‌به‌در و غیره پرداخت.



سپس آقای ضمیری، که در جایگاه گرداننده برنامه ایستاده بود، بخش نخست سخنان خود را، در مورد آئین‌های نوروزی استرآباد، با لهجه‌ی گرگانی آغاز کرد. وی ضمن اشاره به برخی اصطلاحات گرگانی مرتبط با نوروز، مانند خانه‌تکانی، خانه‌ورچینی، قُندواری و امثال آن‌ها، به بررسی آداب استرآبادی‌ها در ایام استقبال از نورز پرداخت و سخنان خود را با اشاره به برخی از مشاغل قدیمی در ارتباط با نوروز، مانند پنبه‌زنی، کارمسگری، برقدکاری، آب‌حوض‌کشی و... ادامه داد.

در حین سخنرانی آقای ضمیری، خانم صفیه شمس‌آبادی روی صحنه رفت و شروع به آماج‌مالی کرد، تا به صورت عملی و زنده، مرحله‌ی آغازین پُخت حلوا آماج را به حضار جلسه نشان دهد.

ضمیری با معرفی شیرینی‌های نوروزی و طرز تهیه آن‌ها در گرگان، به بخش نخست سخنان خود پایان داد. سپس خانم فاطمه احمدی به اجرای نمایش عروسکی «مبارک» پرداخت.

پس از آن، بنا به دعوت مجری-کارشناس برنامه، آقای عباسعلی صادقیان به روی صحنه آمد، تا بخشی از تاریخ شفاهی آداب اهالی بالاکوجه محله دربنو گرگان در ایام نوروز را بازگو کند. صادقیان که متولد سال ۱۳۲۵ محله دربنو گرگان است، ضمن معرفی بالاکوجه و ساکنان آن در سال‌های دور، به ذکر خاطرات دوران کودکی و حال و هوای ایام نوروز در محله دربنو پرداخت. صادقیان خاطرات خود را با ذکر توضیحاتی در مورد بازی‌های مرسوم در ایام نوروز؛ مانند مرغانه‌جنگی، لینگه‌بازی و غیره به پایان رساند.

پس از پایان خاطرات و توضیحات صادقیان، حسین ضمیری به ارائه توضیحاتی در مورد آئین چهارشنبه‌سوری در گرگان پرداخت.

پس از آن استاد حسن رستماني پیشکسوت تئاتر گرگان به همراه حمید نایبی، به اجرای نمایش کم‌دی بقال بازی، که متن آن توسط حسین ضمیری نوشته شده بود، پرداختند.

سپس خانم ویدا محسنی‌مفیدی روی صحنه رفته و همزمان با ادامه برنامه، به صورت زنده، تهیه شیرینی سرغریلی گرگانی را به حضار نشان دادند.

در ادامه، از دومین میهمان برنامه، خانم صدیقه سیفی دعوت شد که به روی صحنه بیایند. ایشان نیز به بیان خاطرات دوران کودکی و نوجوانی خود در ایام نوروز پرداختند. خانم سیفی نیز که از متولدین دهه ۱۳۲۰ گرگان هستند، به ذکر حال و هوای نوروزی گرگان در نیم قرن گذشته پرداخت و با ارائه خاطراتی از خانه پدری خود، تصویری از جایگاه کودکان در آیین‌های استقبال از نوروز ارائه داد.

پس از پایان سخنان خانم سیفی، حسین ضمیری مجدداً به ادامه سخنان خود در مورد آداب و عادات مردم گرگان در ایام نوروز پرداخته، سپس از آقای حسین طاهری دعوت کرد تا به روی صحنه بیاید. حسین طاهری نیز ترانه «یک میا جیجو مزد افتو نیاد» را به صورت پلی‌بک بر روی صحنه اجرا کرد.

در ادامه حسین ضمیری ضمن معرفی برخی از تفرجگاه‌های نوروزی مردم گرگان، با خواندن شعری به مطلع «بیا سیزده به در کن، بیا سیزده ته در کن»، در معرفی آئین‌های نوروزی گرگان، که از سروده‌های خود ایشان بود، به سخنان خود پایان داد.

ششمین نشست سرزمین مادری، با موضوع «نوروز در استرآباد» در شامگاه روز دوشنبه ۳۱ بهمن ۱۴۰۲ با اجرای نمایش سیاه‌بازی «حاجی فیروز» توسط استاد داوود سعیدی، پیشکسوت تئاتر و تلویزیون استان گلستان، خاتمه یافت.



استاد داوود سعیدی
در حال اجرای نمایش سیاه‌بازی حاجی فیروز
در پایان نشست ششم سرزمین مادری

■ برای مشاهده تصاویر نشست نوروز در استرآباد، گد زیر را اسکن کنید ■



سلسله نشست‌های فرهنگی-تاریخی آشنایی با سرزمین مادری

پیشینه و پیشکسوتان رادیو گرگان

نشست هفتم



هفتمین نشست از سلسله نشست‌های سرزمین مادری با موضوع «پیشینه رادیو گرگان»، در ساعت ۱۷ روز دهم خرداد ۱۴۰۳ در سالن آمفی‌تئاتر مؤسسه فرهنگی میرداماد، در میان جمعی از پیشکسوتان رادیو و تلویزیون، علاقه‌مندان و فعالان فرهنگی استان گلستان، برگزار شد. در ابتدای این نشست محمود اخوان مهدوی به عنوان مجری کارشناس برنامه، به ذکر مقدماتی در مورد پیشینه تأسیس رادیو در ایران و منطقه استرآباد و گرگان پرداخت. سپس از استاد منوچهر قاضی پیشکسوت رادیو گرگان، دعوت شد که به عنوان سخنران اصلی برنامه توضیحاتی در مورد

تأسیس رادیو گرگان و پیشینه فعالیت‌های این مرکز ارائه دهد. استاد قاضی که از سوی اهالی فرهنگ گرگان با عنوان «پدر رادیو گرگان» شناخته می‌شود؛ ابتدا به بیان توضیحاتی در مورد رادیو ارتش گرگان و سپس تأسیس رادیو گرگان و نقش مرحوم نعمت‌اله قاضی در شکل‌گیری رادیو گرگان پرداخت.

پس از پایان سخنان استاد منوچهر قاضی، بخشی از مصاحبه مرکز تاریخ شفاهی مؤسسه فرهنگی میرداماد با آقای اسداله دیلمی سرپرست رادیو گرگان در دهه ۶۰ و خاطره تصرف رادیو گرگان توسط فرماندار گرگان از زبان ایشان پخش شد.

در ادامه‌ی برنامه از آقای خال محمد پقه، پیشکسوت رادیو و تلویزیون گرگان در بخش رادیو برون‌مرزی (رادیو ترکمنی) دعوت شد، تا دقایقی به ذکر خاطرات خود در دوران فعالیت در رادیو گرگان بپردازد. خال محمد پقه نیز ضمن ذکر توضیحاتی در مورد پیشینه رادیو گرگان، به بیان توضیحاتی در مورد علل شکل‌گیری رادیو برون‌مرزی (رادیو ترکمنی) پرداخت و در ادامه خاطراتی در مورد شیوه‌های فعالیت در رادیو ترکمنی و برنامه‌های آن پرداخت. پقه در پایان سخنان خود فهرستی از مدیران کل رادیو گرگان ارائه نمود. پس از سخنان آقای پقه، تصاویری از مصاحبه مرکز تاریخ شفاهی مؤسسه میرداماد با تاج‌بردی پیکر گوینده رادیو ترکمنی گرگان و نوازنده دوتار ترکمن پخش شد و در ادامه‌ی برنامه آقای حاج محمد صفایی از مدیران کل رادیو گرگان در اوایل دهه ۱۳۶۰، به ذکر خاطراتی در مورد علل و نحوه ورود خودشان به رادیو گرگان پرداختند. حاج محمد صفایی نیز توضیحاتی در مورد وضعیت رادیو گرگان در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ارائه داده و بدون این‌که اشاره‌ی دقیقی به دوران مدیریت خود در رادیو گرگان داشته باشد، در پایان سخنان خود پیشنهاد داد، جامعه فرهنگی گرگان و گلستان، لقب «پدر رادیو گرگان» را در مورد آقای منوچهر قاضی رسمیت ببخشند.

در آخرین قسمت برنامه، بخشی از مصاحبه مشترک مرکز تاریخ شفاهی مؤسسه فرهنگی میرداماد و مرکز اسناد تصویری استرآباد با آقای عبدالناصر مهیمنی، از نخستین مدیران بخش برون‌مرزی رادیو گرگان، پخش شد و در پایان جلسه نیز ضمن پرسش و پاسخ، آقای مهیمنی به یادآوری نکات و انتقاداتی در مورد عملکرد صدا و سیما گلستان در سال‌های اخیر پرداخت.

■ برای مشاهده تصاویر مرتبط با نشست رادیو گرگان، گد زیر را اسکن کنید ■



محرم در ولایت استرآباد

نشست هشتم

هشتمین نشست، از سلسله نشست‌های سرزمین مادری با موضوع «محرم در استرآباد»، در ساعت ۱۷ (۵ عصر) روز دوشنبه، ۱۵ مردادماه ۱۴۰۳ در سالن آمفی تئاتر مؤسسه فرهنگی میرداماد گرگان، با حضور عده‌ای از علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ سرزمین استرآباد و گرگان برگزار شد. گردانندگی این نشست را آقای حسین ضمیری فعال فرهنگی-اجتماعی و از ادبای شهر گرگان، به عنوان مجری-کارشناس برنامه برعهده داشت. سخنرانان بخش علمی-پژوهشی نیز آقایان محمود خواجه‌نژاد، پژوهشگر فرهنگ عامه، محمود اخوان مهدوی پژوهشگر تاریخ محلی و خانم محدثه‌سادات میرحسینی پژوهشگر و کارشناس ارشد مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی بودند. در بخش نخست برنامه، اخوان و میرحسینی به صورت مشترک به معرفی آیین‌های عاشورایی شهر گرگان و پیوند این آیین‌ها با بافت تاریخی شهر گرگان پرداختند. در این بخش اخوان توضیحات کلی و تعاریف آیین‌های رایج در استرآباد را ارائه داده و میرحسینی نیز به ذکر مصادیقی از تأثیرات آیین‌های عاشورایی در شکل‌گیری بافت تاریخی شهری و بالعکس را بیان نمود. مهندس میرحسینی ضمن ارائه نمونه‌هایی از تحولات اجتماعی-فرهنگی دوران اخیر، به بررسی تأثیر این تحولات بر روند تغییرات کالبدی بافت تاریخی شهر گرگان و هم‌چنین تأثیر تغییرات کالبدی بافت بر روی نحوه برگزاری آیین‌های عاشورایی پرداخت. براساس گفته‌های میرحسینی همان‌طور که در ایام گذشته وجود برخی از آیین‌های عاشورایی موجب شکل‌گیری برخی از فضاهای معماری شده، به همین نسبت از بین رفتن برخی از فضاهای معماری در دوران حاضر نیز موجب از بین رفتن و فراموشی برخی از آیین‌ها گردیده است.

پس از پایان سخنان اخوان و میرحسینی، گزیده‌ای از فیلم مستند «دسته چوبی» نمایش داده شد. فیلم مستند دسته چوبی که در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ به کارگردانی حاتم نائیج‌زاده (مستندساز گلستانی) و با فیلمبرداری حسین افخمی ساخته شده است، نشان می‌دهد که از اواخر دهه ۱۳۸۰ تاکنون از جمعیت برگزارکنندگان این آیین در شهر گرگان کاسته شده و هم‌چنین در طی حدود یک دهه تغییراتی در جزئیات و روند برگزاری این آیین رخ داده است.

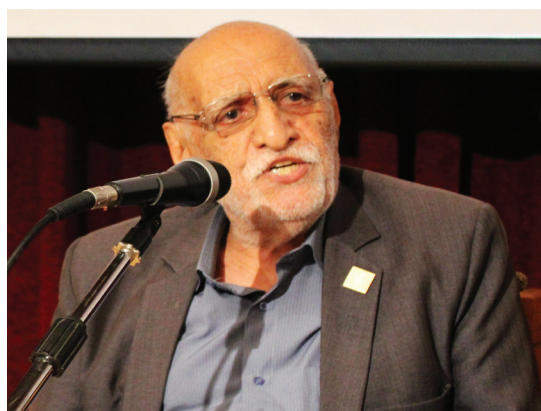
پس از نمایش فیلم دسته چوبی، دومین سخنران این نشست، آقای محمود خواجه‌نژاد، به روی سن رفته و بخشی از پژوهش‌های خود در مورد آیین‌های عاشورایی استان گلستان را ارائه کرد. خواجه‌نژاد در آغاز سخنان خود به تبیین برخی واژه‌ها و اصطلاحات مانند آیین، آیین‌های نمایشی، نمایش آیینی و... پرداخت و سپس دو آیین عاشورایی بومی رایج در روستاهای استان گلستان را معرفی نمود. نخستین آیینی که توسط خواجه‌نژاد معرفی شد، آیین «صبح روسیاه» بود. وی در مورد آیین صبح روسیاه گفت: این آیین مختص استان گلستان نیست، بلکه در برخی نقاط دیگر ایران نیز با نام‌های دیگری برگزار می‌شود، اما در روستاهای استان گلستان نیز این آیین با مؤلفه‌های خاص و بومی منطقه برگزار می‌گردد. دومین آیینی که توسط خواجه‌نژاد معرفی شد، آیین «عَلَم‌سلام» بود. به گفته خواجه‌نژاد این آیین جزو آیین‌های خاص استان گلستان و مازندران است، که ریشه‌های اولیه آن به منطقه هزارجریب چهاردانگه، در مرز دو استان مازندران و گلستان، بازمی‌گردد. وی در ادامه به توضیح و تشریح جزئیات آیین عَلَم‌سلام پرداخته و سخنان خود را با اشعاری که در این آیین خوانده می‌شود، پایان داد.

پس از پایان سخنان آقای محمود خواجه‌نژاد، بخشی از فیم مستند «پاطوق»، برای نخستین بار به نمایش درآمد. فیلم پاطوق در اوایل دهه ۱۳۹۰ به کارگردانی مهدی باقری (مستندساز ایرانی)، در مورد آیین طوق‌بندان شهر گرگان ساخته شده و شامل ثبت رویدادهایی است، که پس از گذشت حدود یک دهه دستخوش تغییرات و تحولات جدی شده است.

پس از نمایش فیلم پاطوق، آقای ضمیری مجری کارشناس برنامه، ضمن یادی از مرحوم حاج ماشاءاله زبانی از مداحان خوش‌صدا و مشهور گرگان در سال‌های گذشته، از فرزند ایشان آقای حاج حسین زبانی که ایشان هم از مداحان خوش‌صدا و مشهور گرگان هستند، دعوت کرد تا به روی صحنه تشریف بیاورند. در این بخش از برنامه آقای زبانی به ذکر خاطره‌ای از سال‌های آغازین فعالیت خود در حوزه مداحی پرداخت و در پایان نیز با خواندن چند بیت در مرثیه اباعبداله الحسین(ع)، حضار را از صدای خوش خود بهره‌مند ساخت.

در ادامه‌ی برنامه، حجه‌الاسلام سیدرضی قدس‌علوی از روحانیون گرگان، که خاندان وی چندین نسل

جزو و عظام و منبریان شهر گرگان بوده‌اند، به ذکر خاطراتی از دوران کودکی خود در ایام محرم و صفر پرداخت. وی ضمن بیان خاطرات خود، برگزاری آیین‌های عاشورایی در سال‌های پیش از انقلاب را از نظر کمی و کیفی با زمان حاضر مقایسه کرد و در ادامه به نقد عملکرد متولیان در عدم به‌روزرسانی سیاست‌ها و نیز نقد عملکرد و عظام و منبری‌ها در عدم ارتباط با نسل



جوان پرداخت و اعلام کرد پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، هرچند انتظار می‌رفت بر رونق این آیین‌ها افزوده شده و شاهد گسترش استقبال و ارتباط عمومی با نمادها و پیام‌های عاشورا باشیم، بالعکس، هرچه از انقلاب ۱۳۵۷ می‌گذرد، از این اهداف دورتر شده و با کم‌رنگ شدن این آیین‌ها که نتیجه‌ی کم‌رنگ شدن علاقه‌ی عمومی است، روبه‌رو هستیم.

پس از آن حسین ضمیری گفت: در گرگان رسم بر این است که دسته‌روی تمام هیأت‌های محلات گرگان، به محله میدان و سقاخانه ابوالفضل در میدان عباسعلی ختم می‌شود. از گذشته‌های دور یکی از خانواده‌های اصیل گرگان، نسل به نسل متولی و متصدی این سقاخانه بوده‌اند و به همین واسطه نام خانوادگی آن‌ها نیز «خادم ابوالفضل» است. ما هم برای حسن ختام این برنامه، از آقای محمدرضا خادم ابوالفضل که تقریباً نسل جوان این خاندان است، دعوت می‌کنیم تشریف بیاورند و چند دقیقه‌ای در مورد آن‌چه که نسل به نسل در مورد سقاخانه ابوالفضل به ایشان منتقل شده، برای ما بازگو کنند. در بخش پایانی این نشست نیز محمدرضا خادم ابوالفضل، به ذکر توضیحاتی در مورد پیشینه سقاخانه حضرت ابوالفضل در محله میدان گرگان پرداخته و به تاریخچه حضور خاندان خود در این سقاخانه نیز اشاراتی داشت.

هشتمین نشست سرزمین مادری در شامگاه روز ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ با یادی از مرحومه «حاج‌نواب» یکی از قدیمی‌ترین زنان تعزیه‌خوان صاحب‌سبک معاصر منطقه، اهل کردمحل (کردکوی) و نیز دعای سلامتی برای حاج عبدالرحمن (عبدالرحیم) پناهی از پیرغلامان شهر گرگان و نیز طلب مغفرت برای مرحوم حاج سیدصادق میرحیدری از مداحان مشهور معاصر گرگان، خاتمه یافت.



■ برای مشاهده تصاویر نشست محترم در ولایت استرآباد، گذر را اسکن کنید ■



گزارش

مستند «گورش» (گشتی سنتی قوم ترکمن)

کاری دیگر از محمدرضا مهرآفرین

محمدرضا مهرآفرین متولد ۱۳۴۵ گرگان، کارشناس فیلمسازی و کارگردانی، عضو انجمن سینمای جوانان ایران و از فیلمسازان مستقل استان گلستان است، که تاکنون تعداد هفتادویک فیلم مستند ساخته و تعداد ۱۷ فیلم او مربوط به قوم ترکمن است. وی با شناخت قابلیت‌هایی که در ویژگی‌های اقلیمی و قومی استان گلستان و سرزمین ایران وجود دارد، غالباً به سراغ موضوعات بومی رفته و البته بخشی از آثار وی به حوزه میراث فرهنگی، اعم از میراث ملموس و ناملموس نیز مربوط می‌شوند. وی تاکنون فیلم‌های درخشانی در موضوعات سوارکاری ترکمن، قایق‌سازی ترکمن، آلاچیق‌سازی و ترکمن و ... ساخته، که آخرین فیلم وی نیز با همین رویکرد در مورد گشتی سنتی قوم ترکمن موسوم به «گورش» است. اغلب فیلم‌های مهرآفرین با سرمایه شخصی و با کمترین تعداد عوامل به سرانجام رسیده و عموماً فیلم‌های قابل قبولی هستند. این فیلمساز به واسطه هوش سرشار، برخورداری از دانش کافی در ساخت مستند، ذهن جستجوگر، سلیقه‌ی خوب، ظرافت و نکته‌سنجی، سواد بصری و قلم شیوایی که دارد، تاکنون آثار فاخری را از خود برجای گذاشته است. لکن در سال‌های اخیر با تغییر جنس و تیپ و دنیای سینمای مستند و هم‌چنین پُرهزینه بودن مستندهای قوم‌نگارانه، نوعی سیر نزولی در آثار مهرآفرین دیده می‌شود، که این موضوع نیاز به بررسی جدی دارد.

فیلم مستند گورش، که به گفته مهرآفرین از ۱۲ سال پیش (حدود سال‌های ۹۱-۱۳۹۰) کلید خورده، جزو پرعوامل‌ترین فیلم‌های مهرآفرین است، اما به دلیل کم‌بود بودجه و عدم وجود حامی مالی و نیز عدم حمایت وزارت ارشاد و صداوسیما، فیلمبرداری این فیلم در طی ۱۲ سال به صورت ناپیوسته انجام شده و البته وی در طول این ۱۲ سال فیلم‌های دیگری نیز ساخته است. باتوجه به این‌که گشتی گورش به شکل سنتی غالباً در جشن‌های عروسی، ختنه‌سورانی و برخی از اعیاد قوم ترکمن به صورت مسابقه برگزار شده و بانی این مسابقات افراد علاقه‌مند ترکمن هستند، مهرآفرین علاوه بر این‌که فیلمبرداری بخش قابل توجهی از این فیلم را خودش انجام داده، برای بهره‌برداری از

تصاویر متعدد و بیشتر از برگزاری مسابقات سنتی گورش، از فیلمبرداران بومی ترکمن نیز در نقاط مختلف ترکمن‌نشین ایران از شمال غربی استان گلستان تا منطقه راز و جرگلان در استان خراسان شمالی، بهره برده است.



باتوجه به این‌که گشتی گورش از دهه ۱۳۸۰ در میادین آسیایی و جهانی حضور رسمی داشته است، بخشی از تصاویر این فیلم مربوط به تمرینات یا مسابقات گشتی گورش در سالن و روی تشک است. در این فیلم در کنار نشان دادن نمونه‌های متعددی از مسابقات سنتی گورش، با برخی از پیشکشوتان و علاقه‌مندان این ورزش سنتی نیز گفتگو شده و توضیحات آنان در مورد این ورزش و نیز پیشنهادات و انتقادات آنان در راستای اعتلای این ورزش منعکس شده است. علاوه بر مسائل مربوط به گشتی گورش، بخشی از فرهنگ قوم ترکمن نیز در این فیلم به نمایش درآمده، که عمده‌ترین آن عروسی قوم ترکمن است. دلیل عمده‌ی کارگردان برای نشان دادن عروسی ترکمن و جزئیات آن، این بوده است که مسابقات سنتی گورش، غالباً در حاشیه جشن‌های عروسی برگزار می‌شود. موارد دیگری هم‌چون قالی‌بافی دختران ترکمن و سوارکاری نیز که در این فیلم نشان داده شده، در ارتباط با عروسی ترکمن است.

آن‌چه که با دیدن این فیلم احساس می‌شود، نوعی پراکندگی و ازهم گسیختگی و یا به عبارتی شلختگی در سکانس‌های مختلف فیلم است، که از ذهن منسجم مهرآفرین کمی بعید به نظر می‌رسد. به گونه‌ای که جای خالی یک فیلمنامه‌ی ساده و بدون پیچیدگی و یک خط داستانی ظریف و نامحسوس برای پیوند بین عناصر فیلم، به شکل مشهودی احساس می‌شود. مگر آن‌که مهرآفرین بدین واسطه خواسته باشد، شرایط نابسامان و ازهم گسیخته‌ی این آیین و ورزش سنتی در وضع موجود را نشان دهد! از طرف دیگر ظاهراً در این فیلم، پژوهش و شناخت در مورد گشتی گورش، هم‌زمان با پروژه فیلمبرداری صورت گرفته و

هرچند ساخت فیلم حدود ۱۲ سال طول کشیده، اما به نظر می‌رسد فیلم فاقد پیشینه پژوهشی و تحلیل پژوهشگرانه است.

نکته فنی دیگری که در این فیلم به وضوح دیده می‌شود، عدم برخورداری از تدوین شسته و رفته و حرفه‌ای است، که باعث می‌شود نتیجه‌ی ۱۲ سال کار، آن‌چنان که باید مطلوب نباشد.

براساس یک نظرسنجی غیررسمی از کسانی که در جلسه اکران این فیلم در تالار فخرالدین اسعد گرگانی حضور داشتند، غیر از حصار ترکمن که به دلیل دیده شدن بخشی از فرهنگ خود، تقریباً از فیلم رضایت صددرصدی داشتند، باقی حصار نیز این فیلم را فیلم خوبی دانسته، اما نکته‌ای که به عنوان یکی از نقاط قوت این فیلم بیان می‌کردند، استفاده کارگردان از سایر المان‌های فرهنگی و آداب و رسوم قوم ترکمن (غیر از گشتی گورش) بود، که این موضوع نشان می‌دهد، بینندگان با دیدن این فیلم این‌گونه دریافته‌اند که گشتی گورش به تنهایی قابلیت تبدیل شدن به یک فیلم مستند را نداشته و بخش‌های حاشیه‌ای فیلم، از متن و محتوای اصلی فیلم جذاب‌تر بوده و یا موجب جذابیت متن اصلی فیلم شده است.

به هر روی با توجه به این‌که به دلیل بالا بودن هزینه‌ها و عدم وجود حامی مالی، امکان بازسازی بسیاری از رویدادهای فیلم و دخالت صد درصدی کارگردان در ثبت تصاویر وجود نداشته، بنابراین در ابتدا با پژوهش موشکافانه و تحلیلی، سپس با تهیه یک فیلمنامه قوی می‌توانست خط و ربط کلی مستند را مشخص کند و در پایان نیز یک تدوین حرفه‌ای می‌توانست کمک شایانی به کیفیت بخشی این فیلم داشته باشد.

هرچند این فیلم شمه‌ای از فرهنگ قوم ترکمن، با تکیه بر گشتی سنتی گورش را به تصویر می‌کشد، اما نه می‌توان گفت در این فیلم گشتی سنتی قوم ترکمن بهانه‌ای برای نشان دادن بخشی از فرهنگ ترکمن است و نه می‌توان گفت مستندی صرف و دقیق در مورد یک آیین مانند عروسی ترکمن یا گشتی گورش است. چراکه از یک سو فیلمساز دقیقاً بخشی از آن‌چه که در مسابقات سنتی و مردمی گورش اتفاق می‌افتد را به تصویر کشیده و از سوی دیگر به سراغ موضوعاتی چون برگزاری مسابقات استاندارد آسیایی و جهانی این گشتی و تمرین در سالن‌های ورزشی و حتی گفتگو با پیشکشوتان و علاقه‌مندان این گشتی و انعکاس نظرات و پیشنهادات و انتقادات آن‌ها رفته، که این موارد انتظار روبه‌رو شدن با یک فیلم مستند صرف را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. اما با دیدن این فیلم نمی‌توان تصویر دقیق و روشنی از چند و چون برگزاری مسابقات سنتی و مردمی گورش، نحوه انتخاب یا داوطلب شدن گشتی‌گیران، فنون گشتی، قوانین، خطاها، نحوه امتیازدهی‌ها و در حاشیه مسابقات نیز نحوه شرط‌بندی‌ها و... به دست آورد. از دیگر سو هرچند در طول فیلم نکاتی در مورد تفاوت‌های شکل سنتی این گشتی، با شکل سالنی و استانداردهای ملی و جهانی آن، در قالب تهیه گزارش بیان می‌شود، اما به موضوع تغییرات شکل اصیل این گشتی در طول زمان پرداخته نشده است. آن‌چه که بیشتر از هر چیز با دیدن این فیلم در ذهن متبادر می‌شود این است که این فیلم یک فیلم سفارشی‌ست که بنا به سفارش گروهی از حامیان گشتی گورش و به منظور جلب توجه مسئولین وزارت ورزش و جوانان، برای بها دادن و توجه ویژه به گشتی گورش و در نهایت تشکیل فدراسیون گشتی گورش ساخته شده است. هرچند چنین سفارشی در کار نبوده، ولی ظاهراً

درگیر شدن بیش از حد فیلمساز با مسائل و دغدغه‌های مشاوران بومی این فیلم و نیز گشتی‌گیرانی که در جریان ساخت فیلم با آنان سروکار داشته، موجب شده این دغدغه‌ها روی ناخودآگاه فیلمساز تأثیر گذاشته، دغدغه‌های همیشگی این فیلمساز در ثبت شکل اصیل میراث معنوی، با دغدغه‌های جامعه گشتی‌گیران ترکمن تلفیق شده و موجب سردرگمی مخاطب می‌گردد. تاحدی که آن دسته از مخاطب عام که با آثار مهرآفرین آشنایی دارد و همیشه در این‌گونه مستندهای مهرآفرین با یک خط روایی مستقیم و ساده روبه‌رو بوده، اکنون دچار نوعی دوگانگی یا چندگانگی می‌شود؛ که آیا فیلمساز می‌خواهد شکل اصیل این گشتی را پیش از آن‌که تحت تأثیر قوانین و ضوابط بین‌المللی تغییر کند، ثبت کرده و به تصویر بکشد؛ یا هدف او حمایت از این تغییرات و تشکیل فدراسیون گورش است؟ و یا شاید قصد دارد همه‌ی آن‌چه که وجود داشته را با همان آشفتگی و به‌هم‌ریختگی به تصویر بکشد؛ در نهایت هم مخاطب نقطه‌ی قوت فیلم را در بخش‌های حاشیه‌ای و به تصویر کشیدن سایر مظاهر فرهنگی قوم ترکمن - هر چیزی غیر از گشتی گورش - می‌داند!

با وجود تمام نکاتی که در مورد این فیلم گفته شد، در عین حال باتوجه به نوع دغدغه محمدرضا مهرآفرین و تقبل سختی‌ها و هزینه‌های زیاد برای این فیلم، مسلماً این فیلم یکی از اسناد تصویری گشتی سنتی گورش به حساب آمده و دارای اهمیت و ارزش است.

فیلم مستند ۵۰ دقیقه‌ای «گورش» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدرضا مهرآفرین در ساعت ۱۹ روز ۱۶ شهریور ۱۴۰۳، در سالن اصلی تالار فخرالدین اسعد گرگانی در حضور جمعی از علاقه‌مندان فرهنگ استان گلستان و قوم ترکمن و نیز علاقه‌مندان آثار مهرآفرین و هم‌چنین گروهی از ورزشکاران و حامیان ورزشی ترکمن، به صورت ویژه اکران شد.

یکی از ویژگی‌های محمدرضا مهرآفرین به عنوان یک مستندساز، توجه ویژه به تمامی عواملی که در ساخت کارهای او نقش داشته‌اند و هم‌چنین ارتباط تنگاتنگ و مداوم با کسانی است که بخشی از مستندهای او را تشکیل می‌دهند. مهرآفرین به عنوان یک انسان دغدغه‌مند به مسائل تمامی افرادی که با آن‌ها سروکار دارد توجه داشته و تا حد امکان، از هیچ تلاشی برای حل مسائل آنان دریغ نمی‌ورزد. در مراسم اکران فیلم گورش از تمامی عوامل دست‌اندرکار این فیلم تقدیر شد و یکی از بخش‌های جذاب این برنامه دعوت از زوج ترکمنی بود که در این فیلم تصاویری از مراسم عروسی آنان دیده می‌شد. این زوج ترکمن با پسر و دختر دوقلوی خود به روی سن تالار فخرالدین اسعد گرگانی دعوت شده و مورد تشویق حضار قرار گرفتند.

در مجموع آثار محمدرضا مهرآفرین ارزشمند و قابل تأمل بوده و یکی از نکات مثبت شخصیت فردی و حرفه‌ای او به عنوان یک مستندساز، دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی و حس تعهد نسبت به ارزش‌های انسانی و فرهنگی است. علاوه بر این، نه‌تنها آثار وی غالباً مستندهایی اثرگذار هستند، بلکه در پروسه ساخت مستندهای خود نیز بر روی جامعه‌ای که با آنان سروکار دارد آثار انسانی و فرهنگی مثبتی برجای می‌گذارد.